



تجارت الکترونیک
پنجره ای به سوی آزادی مالی

مقاله آموزشی

آشنائی با استراتژی های معاملاتی

www.meta-forex.com

انتشار این مقاله آزاد است

برای دریافت هفته نامه ها و مقالات تحلیلی، آموزشی متا فارکس در یاهو گروپ ما عضو شوید

<http://finance.groups.yahoo.com/group/meta-forex/>

متافارکس هیچگونه مسئولیتی در برابر برداشتهای خوانندگان از مطالب و سود یا زیان ناشی از این برداشتها ندارد

استراتژی های معاملاتی در فارکس یا سایر بازار های جهانی را می توان به سه دسته تقسیم نمود :

- معامله در یک دامنه یا Range trading or Swing trading
- معاملات تعقیب روند یا Trend following
- معاملات بازگشتی یا Reversal trading

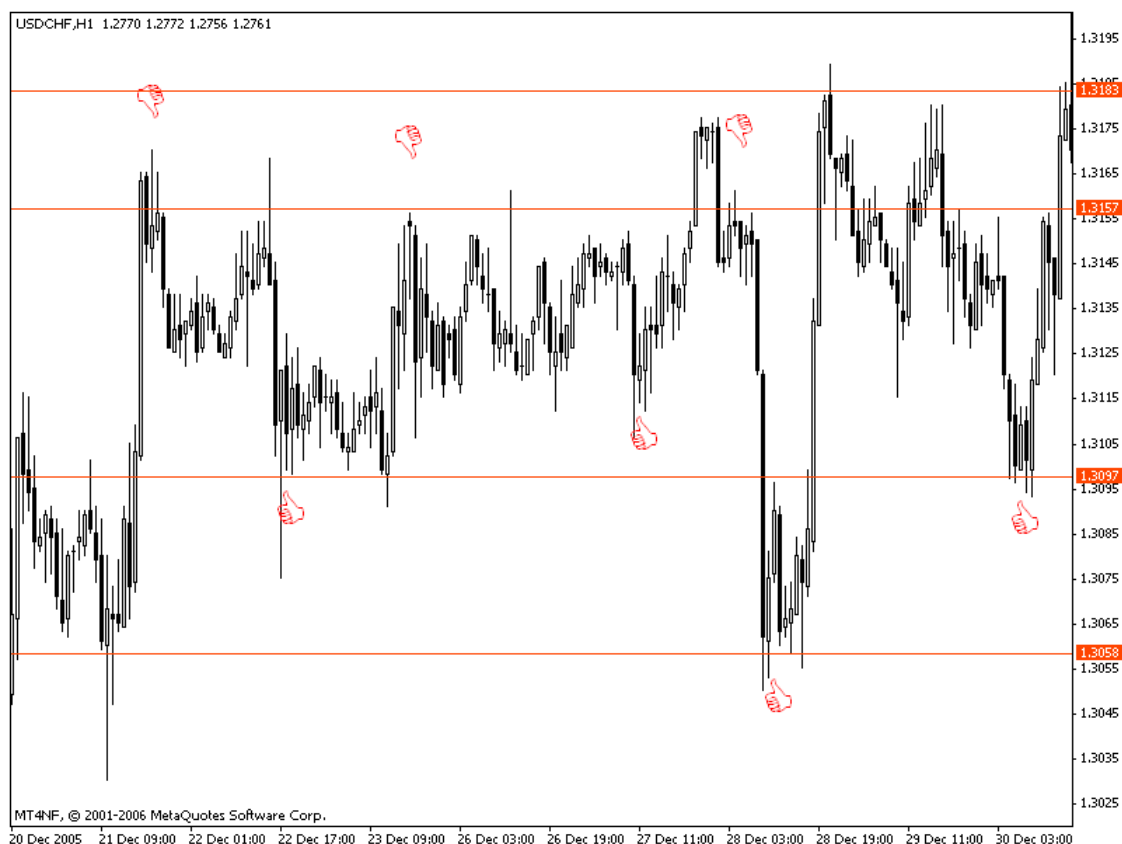
هر کدام از این سه استراتژی معاملاتی دارای یک شعار اساسی و یک سوال اساسی هستند و ابزارهایی را به کار می گیرند که برای استراتژی های دیگر ممکن است چندان مفید نباشد.

۱- استراتژی های معامله در دامنه

اولین استراتژی معامله در یک دامنه است. اکثر مواقع قیمت ها در یک دامنه نوسان می کنند و این استراتژی در مواقع زیادی کاربرد دارد. شعار اصلی این استراتژی این است :

پائین بخر بالا بفروش

هدف این استراتژی خرید در پائین ترین قیمت های دامنه در ابتدای صعود قیمت و فروش در بالاترین قیمت های دامنه در ابتدای نزول قیمت است. در شکل زیر نمونه ای از معامله در دامنه دو کانال تو در توی خنثی را نمایش می دهد.



سوال اساسی این استراتژی قبل از اقدام به هر معامله این است :

از کجا معلوم است که این دامنه معتبر بماند و در معامله متضرر نشویم ؟

دامنه ها همیشه عمر محدودی دارند و پس از مدتی شکسته می شوند. هر فروش در اوج یا خرید در کف دامنه ممکن است با شکست دامنه و تشکیل یک روند منجر به زیان قابل توجهی شود که می تواند چند برابر سود مورد انتظار در دامنه باشد. در شکل صفحه بعد شکست همین دامنه و زیان قابل توجه ناشی از آن نمایش داده شده است.



مشاهده می شود زبانی که شکست دامنه ایجاد می کند ، می تواند چندین برابر سود های ناشی از معامله در دامنه باشد.

باید توجه کرد که در بازار هیچ قطعیتی وجود ندارد. بلکه همیشه احتمالات غالب و مغلوب وجود دارند. تا وقتی که یک دامنه معتبر است ممکن است باز هم معتبر بماند ولی نباید احتمال دیگر یعنی شکستن دامنه را از نظر دور داشت.

ساده ترین دامنه بین دو خط حمایت و مقاومت بوجود می آید. ولی دامنه ها همیشه اینقدر ساده نیستند و ممکن است دارای مرزهای مورب یا غیر خطی باشند. حتی ممکن است مرز دامنه با استفاده از یک یا چند اندیکاتور تسخیر داده شود. یک استراتژی معاملاتی باید بتواند به سه سوال زیر پاسخ گوید :

- کی وارد معامله شویم؟
- کی با سود از معامله خارج شویم؟
- کی با زیان از معامله خارج شویم؟

اگر هر یک از این سوالات بی جواب بماند استراتژی ناقص است. سعی می کنیم پاسخ این سوالات را در مورد ساده ترین استراتژی دامنه ای که معامله در یک کانال افقی است پاسخ گوئیم. ابتدا باید کانال شناسائی و ترسیم شود. کی وارد معامله می شویم؟ هر وقت قیمت به کانال برخورد کرد و یک کندل بازگشتی مشاهده کردیم در جهت داخل کانال وارد معامله می شویم. کی با سود از معامله خارج شویم؟ هر وقت قیمت به وسط کانال برگشت وضعیت را بررسی می کنیم. اگر به نظر نرسید که بتواند به طرف دیگر کانال برسد همانجا خارج می شویم. اگر به نظر می رسید که سود ما می تواند بیشتر شود حد زیان را روی نقطه خرید و حد سود را ۵ پیپ قبل از لبه دیگر کانال قرار می دهیم. کی با زیان خارج شویم؟ حد زیان را ۷ پیپ بعد از بعد از کلیه سایه های کندل های درون کانال فرار می دهیم.

فرض کنید کانال افقی بین دو قیمت ۱,۲۰۰۰ و ۱,۲۰۶۰ رسم شده است. بزرگترین سایه های مثبت و منفی ۱,۹۹۹۰ و ۱,۲۰۷۰ هستند. پس حدود زیان ۱,۹۹۸۳ و ۱,۲۰۷۷ هستند و حدود سود در ۱,۲۰۰۵ و ۱,۲۰۵۵ قرار می گیرند. با رسیدن به قیمت ۱,۲۰۳۰ هم شرایط را مجدد بررسی می کنیم.

این استراتژی صرف نظر از درست یا نادرست بودن ، یک استراتژی کامل است که به هر سه سوال یک استراتژی پاسخ سریع و روشنی می دهد. توجه کنید که حد زیان در اینجا خیلی مهم است چون با شکست کانال معمولاً یک روند به وجود می آید که ممکن است چند صد پیپ در جهت زیان ما حرکت کند.

توجه : با خوردن حد زیان احتمال زیادی وجود دارد که بازار از شرایط مورد نظر ما خارج شده باشد. مثلا از حالت دامنه ای به روند دار تبدیل شده باشد. در این صورت ضروری است که برای مدتی از معامله بپرهیزیم و شرایط بازار را مجددا ارزیابی کنیم . سپس با استراتژی جدید متناسب با بازار فعلی وارد بازار شویم و یا برای مدتی معاملات را متوقف کنیم تا بازار مجددا با استراتژی های ما مطابقت پیدا کند. فرصتها همیشه در بازار وجود دارند و ما موظف نیستیم که در هر شرایطی وارد بازار شویم و معامله کنیم . بلکه می توانیم شرایطی را که با روحیه و استراتژیهای ما متناسب است شناسایی و انتخاب کرده و فقط در این شرایط به بازار وارد شویم. یکی از عوامل مهم زیان در بازار همین موضوع به ظاهر ساده است.

دامنه های مختلفی می توانند مبنای استراتژی های معامله در دامنه باشند. بعضی از این دامنه ها به شرح زیر اند:

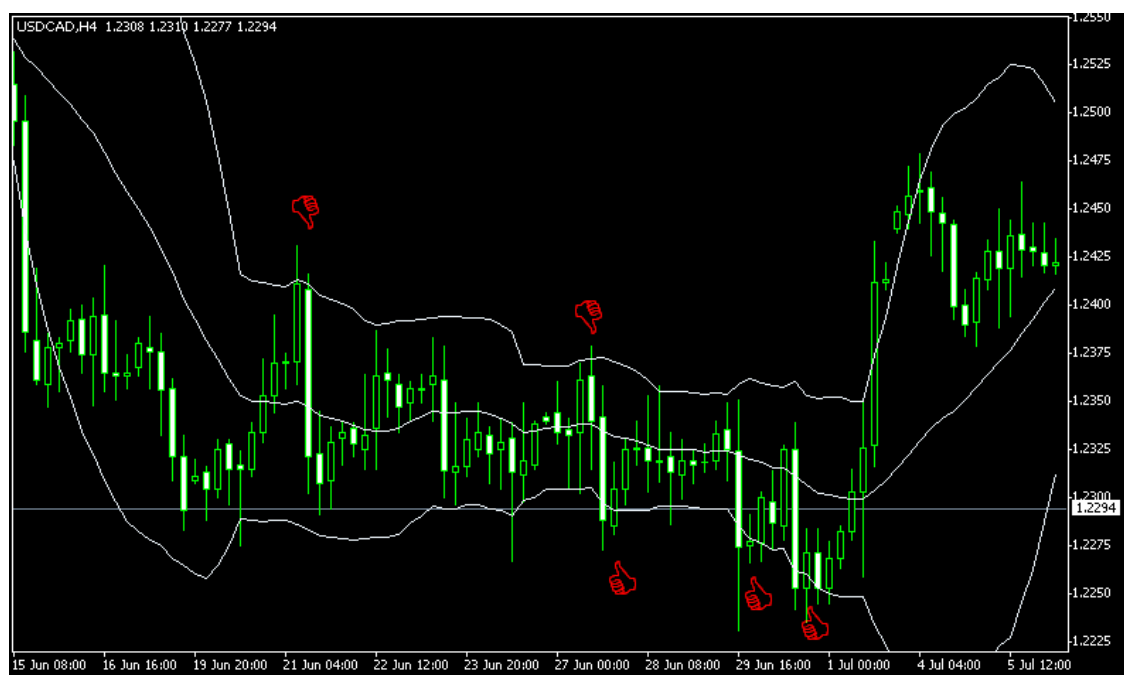
- بین خطوط حمایت و مقاومت
- بین خطوط حمایت و مقاومت بر اساس محاسبات pivot
- بین دو یا چند خط روند موازی که تشکیل کانال می دهد
- بین دو خط روند غیر موازی
- دامنه هایی که توسط اندیکاتور های روی چارت تعیین می شود مثل Bollinger bands

*** توجه کنید که در تمامی این موارد احتمال شکست دامنه وجود دارد و در این صورت وارد استراتژی های تعقیب روند بر اساس شکست breakout خواهیم شد.**

یک استراتژی ساده دامنه ای بر اساس خطوط حمایت و مقاومت را ابتدای مقاله بررسی کردیم. در ادامه استراتژی معامله در دامنه بر اساس باند ها بولینگر را مرور می نمائیم.

وقتی بازار دارای روند خاصی نباشد ، از باند های بولینگر می توان به بهترین وجهی برای معاملات دامنه ای استفاده نمود. نبود روند در بازار بر اساس افقی بودن تقریبی خط وسط باند بولینگر که همان میانگین متحرک است ، تشخیص داده می شود.

سیگنال ورود باند های بولینگر وقتی صادر می شود که قیمت ها با باند برخورد کنند یا خیلی به آن نزدیک شوند و سپس به سمت میانگین متحرک حرکت کنند. سیگنال خروج با برخورد به میانگین متحرک و یا باند مقابل شکل می گیرد. حد زیان نیز کمی خارج از باندی که با برگشت از آن سیگنال ورود شکل گرفته است ، قرار داده می شود. در شکل صفحه بعد نمونه ای از بازار بدون روند قابل توجه را مشاهده می کنید که تمامی سیگنال های خرید و فروش باند بولینگر صحیح بوده است .



۲- استراتژی های تعقیب روند

پس از استراتژی های معامله در دامنه نوبت به استراتژی های تعقیب روند یا trend trading می رسد. شعارهای اساسی این استراتژی عبارتست از :

روند دوست معامله گر است

بالا بخر بالاتر بفروش

سوال اساسی این استراتژی این است :

از کجا بفهمیم که یک روند شکل گرفته است و ادامه خواهد داشت ؟

بر خلاف معامله در دامنه که با برخورد قیمت به لبه دامنه و یک برگشت چند پپی می توان اقدام به معامله نمود، در معامله بر اساس تعقیب روند، وقتی روند تشخیص داده می شود که بخش قابل توجهی از آن طی شده است و هر لحظه ممکن است به پایان روند برسیم. به همین دلیل ریسک این استراتژی ها بسیار بیشتر از استراتژی های معامله در دامنه و در عین حال سود احتمالی آن نیز بیشتر است. هر چه بتوانیم زودتر و در عین حال با قابلیت اطمینان بیشتری تشکیل یک روند جدید را تشخیص دهیم سود آوری این استراتژی ها بیشتر است. شکست یک دامنه یا یک مرز می تواند علامت خوبی برای تشکیل روند باشد. مثلا

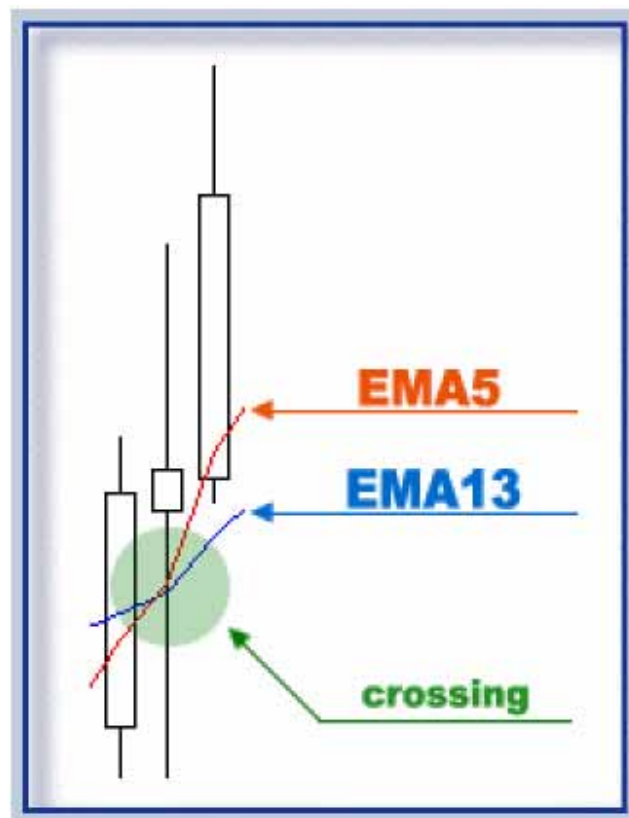
- شکست خطوط حمایت و مقاومت مهم
 - شکست الگو هائی از قبیل سر و شانه ، کانال ، خط روند ، مثلث ، پرچم و غیره
 - شکست باند های بولینگر
 - تقاطع دو میانگین متحرک سریع و آهسته و دور شدن آنها از یکدیگر
- شواهد دیگری نیز می توانند اعتبار یک شکست و تشکیل روند را تایید کنند از قبیل :
- افزایش حجم
 - شکست همزمان در اندیکاتور هائی مثل مومنتوم
 - وقوع شکست در ساعات مهم بازار و همزمانی آن با اخبار مهم

ساده ترین استراتژی تعقیب روند استراتژی تقاطع دو میانگین متحرک نمائی یا

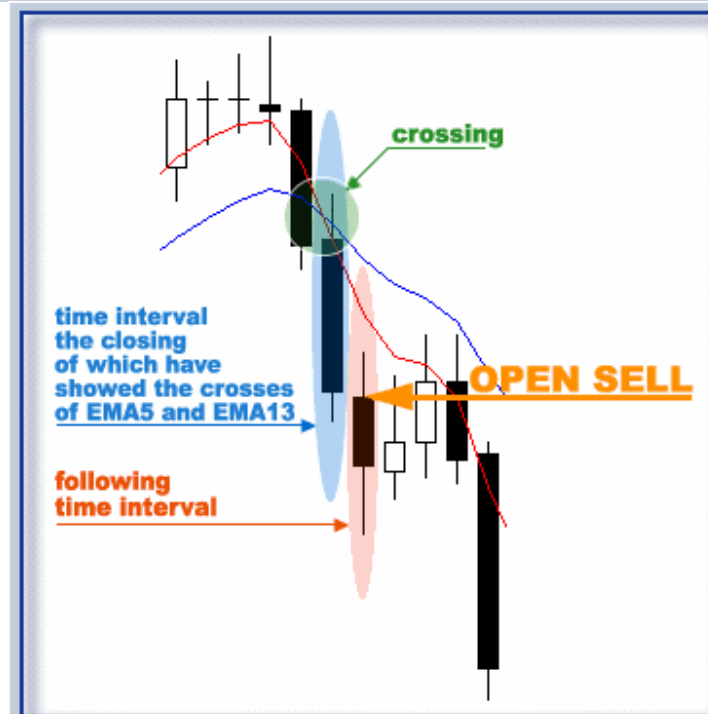
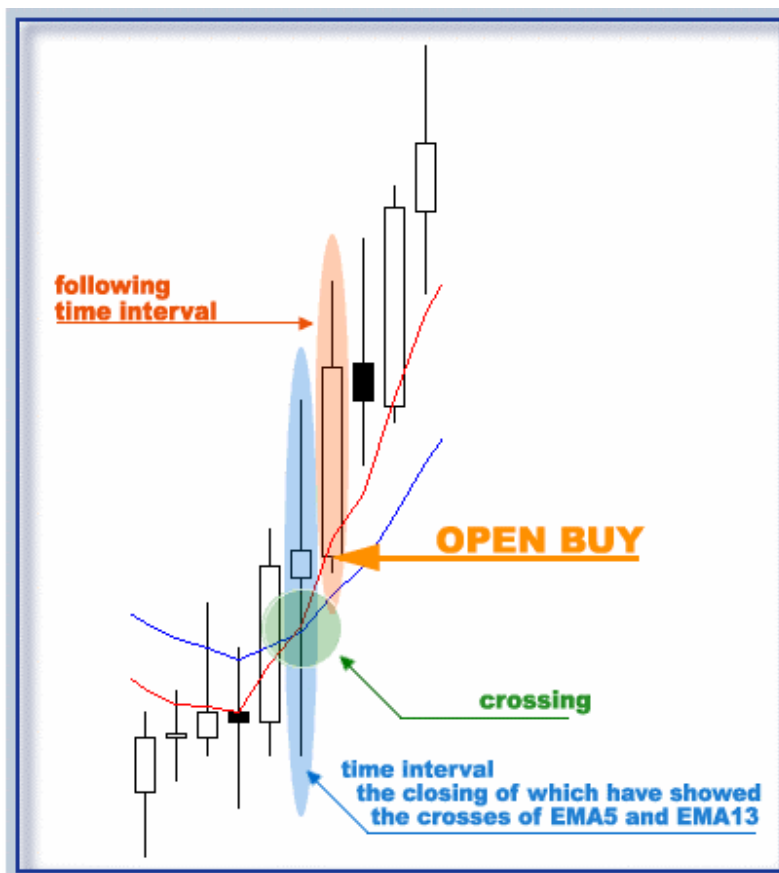
Exponential Moving Average cross =EMA cross

است. این استراتژی بر اساس تقاطع دو میانگین متحرک سریع و آهسته بنا شده است. هر گاه دو میانگین متحرک سریع (با دوره کمتر مثلا ۵) میانگین متحرک آهسته (با دوره بیشتر مثلا ۱۳) را قطع کرده و از آن دور شود به احتمال زیاد یک روند به وجود آمده است. ما قصد نداریم شما را به استفاده از این استراتژی ترغیب کنیم. بلکه در نظر داریم مراحل طراحی و خصوصیات یک استراتژی را با یک مثال ساده مرور نمائیم.

۱- هر گاه EMA5,EMA13 یکدیگر را قطع کردند پوزیشن بگیرید.



۲- وقتی EMA5 از پائین EMA13 را قطع نمود خرید و در حالت عکس فروش انجام دهید. حتما صبر کنید تا کندلی که در آن این تقاطع انجام شده تمام شود و در ابتدای کندل بعد پوزیشن بگیرید.



- ۳- هنگام گشایش پوزیشن حد زیان (stop loss) را قبل / بعد از EMA13 قرار دهید.
- ۴- پوزیشن را هر گاه در انتهای یک کندل دو میانگین متحرک همدیگر را قطع کرده و یا مماس شده باشند ببندید.



این استراتژی در هر تایم فرمی قابل اجراست ولی بیشتر برای استفاده در تایم فریم یک ساعته توصیه می شود.

قواعد تکمیلی این استراتژی برای کسب نتایج مناسبتر :

- ۱- برای اجتناب از خوردن حد زیان بدلیل نوسانات پیش بینی نشده ، حد زیان را حدود پنجاه پیپ قبل / بعد از EMA13 قرار دهید مطابق شکل زیر :



۲- هرگاه حرکت بازار چنان سریع بود که در ابتدای کندل پس از تقاطع حد زیان شما با قیمت فعلی بیش از ۱۰۰ پیپ فاصله داشت از باز کردن پوزیشن صرف نظر کنید.



۳- هر گاه پس از تقاطع ، دو میانگین متحرک از یکدیگر دور نشدند و روند مشخصی هم در بازار مشاهده نکردید تا وقتی که این حالت رفع شود از باز کردن پوزیشن خود داری کنید. مطابق شکل :



- ۵- شما باید یک درصد حداکثر برای زیان نسبت به موجودی حسابتان تعیین کنید و اکیدا به آن پایبند باشید. این درصد نباید حداکثر از ۵٪ موجودی حساب شما بیشتر باشد و حجم معامله خود را بر اساس این مقدار تنظیم کنید .
- ۶- قبل از استفاده از این استراتژی در حساب واقعی آن را در حساب دمو بکار بگیرید تا کاملا بر آن مسلط شوید. بهترین و کاملترین استراتژی معاملاتی نیز نمی تواند شما را از کسب مهارت لازم برای معامله و پیگیری دائم روند بازار بی نیاز کند.

۳- استراتژی های بازگشتی

گروه مهم دیگری از استراتژی های معاملاتی ، استراتژی های بازگشتی یا reversal trading است . این استراتژی ها بر اساس اصل عمل و عکس العمل شکل گرفته است . اصل عمل و عکس العمل در بازار می گوید :

هر عملی را عکس العملی است کوچکتر و در خلاف جهت

بر اساس تئوری داو ، نسبت های فیبوناچی و تئوری امواج الیوت ، معمولا پس از پایان هر روند اصلی یا فرعی ، بازگشتی بین $1/3$ تا $2/3$ در جهت عکس آن اتفاق می افتد. شعار اساسی این استراتژی ها این است :

در اوج بفروش و در قیمت های پائین تر تسویه کن

سوال اساسی این استراتژی ها عبارتست از :

از کجا مطمئن شویم که روند (اصلی یا فرعی) خاتمه یافته است ؟

چون اگر روند ادامه پیدا کند در واقع بر خلاف روند وارد بازار شده ایم که نتیجه ای جز زیان در بر نخواهد داشت.

برای پاسخ به این سوال باید توجه نمود که بازار به یکباره در جهت معکوس روند حرکت نمی کند بلکه هر بازگشتی یک مکث و علائم خاصی قبل از پیدایش از خود نشان می دهد. مهمترین ابزارهای مورد استفاده در این استراتژی ها عبارتند از :

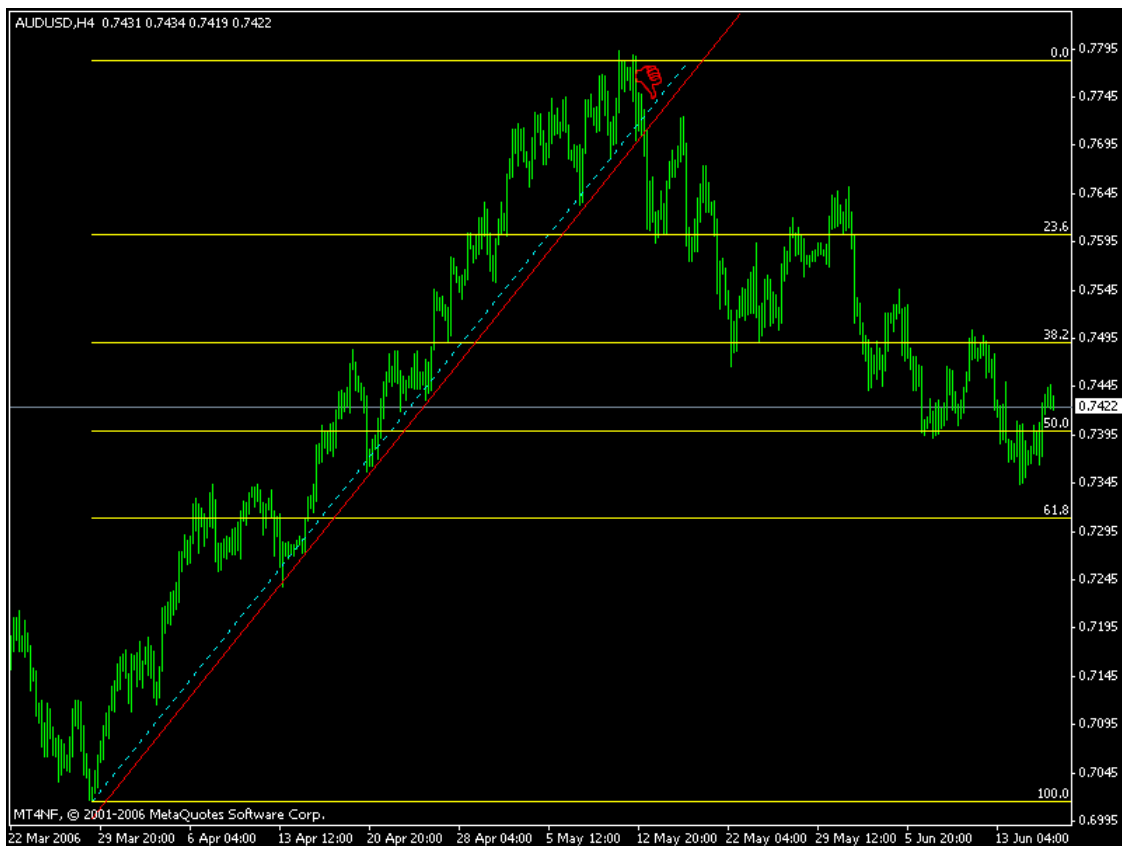
۱. نمودار های شمعی

۲. الگو های بازگشتی

۳. اندیکاتور ها و واگرایی آنها

۴. خطوط فیبوناچی بازگشتی (برای تعیین هدف بازگشت)

مثالی از کاربرد استراتژی بازگشتی بر اساس خطوط فیبوناچی در شکل زیر مشاهده می شود.



دلار استرالیا در نمودار چهار ساعته روند صعودی پیدا کرده و یک خط روند (قرمز رنگ) تشکیل داده است. با شکست این خط روند وارد پوزیشن فروش می شویم. خطوط فیبوناچی ۲۳٪ و ۳۸٪ و ۵۰٪ حدود کسب سود و چند پیپ بیش از اوج قیمت حد زیان ما را تشکیل می دهد. توجه کنید که ما بر اساس شکست خط روند وارد پوزیشن فروش شدیم. سیگنال ورود می تواند به صورت دیگری تعریف شده باشد ولی هرگز نمی توان بدون دلیل قاطع مبنی بر اتمام روند وارد پوزیشن بازگشتی شد.

۴- اسکالپینگ یا ناخنک زنی

گروه مهم دیگری از استراتژی های معاملاتی ، استراتژی های معاملات بسیار سریع یا اسکالپینگ scalping هستند.

این استراتژی ها بر این اساس شکل گرفته که بازار یک تله خطر ناک است و نباید مدت زیادی در آن باقی ماند. بلکه باید در کوتاه ترین زمان سود خود را گرفته و به سرعت از

بازار خارج شویم. همچنین اگر پوزیشن ما زیان ده شد باید قبل از توسعه زیان و با حداقل ضرر ممکن از بازار خارج شد.

شعار اساسی این استراتژی ها این است :

سودت را بردار و فرار کن

سوال اساسی این استراتژی ها عبارتست از :

چه کنیم که گرفتار روند های خلاف جهت پوزیشن مان نشویم ؟

این استراتژی سعی دارد به جای روند های یا نوسانات با دامنه زیاد از نوسانات لحظه ای یا نویز های بازار که همواره وجود دارند بهره ببرد. چون بازار دارای نویز ها و نوسانات مستمر است ، اگر برخلاف روند پوزیشن بگیریم می توان امیدوار بود که بازار بالاخره در جهت مطلوب ما حرکت کرده و چند پیپ نصیب ما کند.

ابزار های مورد استفاده در این استراتژی مشابه ابزار های مورد استفاده در استراتژی های دیگر است ولی از آنها در تایم فریم کوتاه تر استفاده می شود.

بزرگترین نقطه ضعف این استراتژی بالا بودن هزینه معاملات و احتمال گرفتار شدن در یک روند نامطلوب است.

*اسکالپینگ می تواند در بازار رنج یا روند دار یا در بازگشت ها مورد استفاده قرار گیرد و تفاوت آن با استراتژی های قبلی فقط در تایم فریم پائین تر و سریع بودن آن است.